



تندیس گرایی در معماری

خدابخش جوادیان کوتنایی^۱، سینا رضایی نوایی^۲

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل

۲- کارشناس عمران-عمران دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل

k.javadian@nit.ac.ir

خلاصه

اگر بخواهیم تاریخ معماری را از نظر ویژگی تندیس گرایی در بنا بررسی کنیم، می توانیم سه مرحله راه از آغاز خانه سازی بشر تا به امروز، از دیدگاه تصور فضایی شناسایی کنیم. مرحله ی نخست، دوره ای است که در آن گرایش به سازه های تندیس گونه وجود داشته و به ترکیب احجام و ساختمان های مختلف با هم توجه شده است. این گونه معماری در تمدن هایی چون تمدن سومری، ایلام قدیم، مصری و یونانی وجود داشت و تا زمان رومیان ادامه دارد. در این دوره توجه به فضای بیرونی با بی توجهی به درون بنا و ساده رها کردن آن همراه است. مرحله دوم که ساخته شدن بنای پانتئون در روم آغاز این دوره را مشخص می کند، توجه به فضای درونی ساختمان چالش اصلی معمار بود، به گونه ای که فضاهای درونی بزرگ تر و پیچیده تری را در معماری این دوره می بینیم. در مرحله ی سوم (تقریباً آغاز سده ی بیستم) دوباره به اهمیت حجم در شکل دادن به فضای بیرونی توجه شد، در حقیقت از یک سو تصور فضایی نخستین دوباره زنده شد و از سوی دیگر نیز توجه به فضای درونی ساختمان به قوت خود باقی ماند و تقریباً از نیمه ی دوم قرن بیستم بود که معماری تندیس گرا با تاثیر پذیری از پیکره سازی دوباره از سوی معمارانی چون لوکوبوزیه، که دستی در پیکره سازی و نقاشی نیز داشت، مورد توجه قرار گرفت و بناهای ارزنده ای به این فرم ساخته شد.

کلمات کلیدی: تندیس گرایی، معماری تندیس وار

۱. مقدمه :

در هنگام مطالعه ی یک مجله ی معماری، و یا تماشای یک برنامه ی تلویزیونی در باره ی معماری امروز، همواره گونه ای از معماری است که توجه و حیرت همگان، حتی آن هایی که سررشته ای از معماری ندارند را به خود جلب می کند و این اجازه را به هر بیننده ی عادی نیز می دهد تا بر اساس تجربه های خود با آن ارتباط برقرار کند. بناهایی که به شکل تندیس های زیبایی طراحی شده اند و یا به طور کلی معماری تندیس گرا. ولی آیا معماری تندیس گرا، چیز تازه ایست که به کمک تکنولوژی پیشرفته ی امروز به دست آمده است؟ آیا می توان نمونه های آن را در گذشته های دور هم دید؟ و اگر پاسخ مثبت است، آیا دید معمار امروز نسبت به معماری تندیس گونه با گذشتگان تفاوتی کرده است؟ این ها پرسش هایی است که تلاش شده خواننده بتواند با به پایان رسانیدن این مقاله پاسخ آن ها را بیابد. در آغاز مقاله، ابتدا نمونه هایی از معماری تندیس وار در تمدن های کهن آمده و درباره ی این بناها صحبت شده است، تا با تصور فضایی معماران آن دوره آشنا شویم. سپس به آثاری تندیس گرا از معماران بزرگ امروز با ارایه ی تصاویر و توضیحاتی اشاره شده است، بدین وسیله سعی شده است تا میان آثار گذشته و امروز و دید معماران در آن دوره و در حال حاضر مقایسه ای انجام شود.

۲. معماری تندیس گرا و سه تصور فضایی

به طور کلی در زمینه ی معماری، سه تصور فضایی را می توان در طول تاریخ تشخیص داد. مرحله ی نخست وقتی است که تصور فضایی معنایش ترکیب احجام و ساختمان های مختلف با هم است و معمار به فضای درونی ساختمان توجهی ندارد. این تصور فضایی نخستین، در معماری تمدن هایی از جمله مصری، ایلامی، سومری و یونانی نمایان شده است. دومین مرحله، از نیمه ی دوره ی معماری رومی آغاز شد و در این دوره توجه به فضای درونی ساختمان ها و مسئله ی طاقی زدن بزرگ ترین چالش معمار گشت. پس دومین تصور فضایی، معنایش توجه به فضای درون ساختمان هاست. بنای پانتئون در روم آغاز این دوره را مشخص می کند که اگر چه به صورت مختلف بروز کرد، تا پایان قرن هجدهم ادامه یافت. تصور فضایی در قرن نوزدهم تفاوتی نسبت به قرون پیش از خود نکرد. در این قرن همه ی صور مرحله ی دوم با هم درآمیختند و وحدت تصور فضایی قرون